

سوال: سور موجبہ کلیہ در (متصلہ و منفصلہ) چیست؟

جواب: در متصلہ (متی، مہما، کلما)

و در منفصلہ (دائما) است

سوال: سور سالبہ کلیہ در متصلہ و منفصلہ چیست؟

جواب: در ہر دو (متصلہ و منفصلہ) سور شان (لیس والبتہ) است

سوال: سور مومبہ جزئیہ در متصلہ و منفصلہ چیست؟

جواب: در ہر دو (متصلہ و منفصلہ) سور شان (قدیکون) است

سوال: سور سالبہ جزئیہ در متصلہ و منفصلہ چیست؟

جواب: در ہر دو (متصلہ و منفصلہ) سور شان (قدلایکون) است

«تمت بالخیر»

ملار

- (۳) مشروطه عامه، آن است که حکم بشود در آن به ضروری بودن ثبوت برای موضوع یا نفی از او مادامی که ذات موضوع متصف به وصف عنوانی باشد مانند (کل کاتب تحرک الاصابع مادام کاتباً)
- (۴) عرفیه عامه آن است که حکم بشود در آن به ضروری بودن ثبوت محمول برای موضوع یا سلب از او در اوقات معین از اوقات ذاتمانند (کل قمر منخسف بالضرورة وقت صیلولة الارض بینة بین الشمس)
- (۵) منتشره مطلقه، آن است که حکم بشود در آن به ضروری بودن ثبوت محمول برای مدخوع یا نفی از او در وقت غیر معین مانند (کل حیوان متنفس بالضرورة وقتاً)
- (۶) مطلقه عامه، آن است که حکم بشود در آن به موجود بودن محمول برای موضوع یا سلب از او در یکی از ازمنه ثلاثه
- (۷) ممکنه عامه، آن است که حکم بشود در آن به سلب ضرورت جانب مخالف سوال: قضایای مرکبه را نام ببرید؟
- جواب: ۱ مشروطه خاصه ۲ عرفیه خاصه ۳ وجودیه لازوریه ۴ وجودیه لادائمه ۵ وقتییه ۶ مشرعه ۷ ممکنه خاصه

(تعریفات مرکبه)

- (۱) مشروطه خاصه مثل مشروطه عامه است فقط باقید لادوام است مانند (دانماکل کاتب متحرک الاصابع مادام کاتباً دانما)
- (۲) عرفیه خاصه مثل عرفیه عامه است فقط باقید لادوام بحسب الذات
- (۳) وجودیه لازوریه مثل مطلقه عامه است فقط باقید لازوریه بحسب الذات
- (۴) وجودیه دائمه مثل مطلقه عامه است فقط باقید لادوام بحسب الذات
- (۵) وقتییه مثل وقتییه مطلقه است فقط باقید لادوام بحسب الذات
- (۶) منتشره مثل منتشره مطلقه است فقط باقید لادوام بحسب الذات
- (۷) ممکنه خاصه، آن است که حکم بشود در آن به برداشتن ضرورت مطلقه از جانب وجود و عدم مانند (بلا مکان الخاص کل انسان ضوئک)

سوال: سور موجبہ کلیہ و موجبہ جزئیہ چیست؟

جواب: سور موجبہ کلیہ (کل و لام اسغراق) است و سور موجبہ جزئیہ (بعض و واحد من الجسم الجامد) است

سوال: سور سالبہ کلیہ و سالبہ جزئیہ چیست؟

جواب: سور سالبہ کلیہ (لاشیئ و لا واحد) است و سور سالبہ جزئیہ (لیس و بعض) است

اقسام حمل:

۱ باواسطه: باواسطه (فی، ذو، لام، مثل) (زید فی الدار)

۲ بدون واسطه

سوال: قضیه خارجیّه را با مثال تعریف نمایید؟

موضوع حملیه اگر در خارج موجود باشد و حکم در آن به اعتبار تحقق موضوع و موجود بودن او در خارج باشد قضیه خارجیّه است مانند (الانسان کاتب)

سوال: قضیه ذهنیه را با مثال تعریف فرمائید؟

جواب: اگر موجود باشد موضوع در ذهن و حکم در آن به اعتبار خصوصی وجود آورد ذهن باشد، ذهنیه است. (مانند: الانسان کلیّ)

سوال: قضیه حقیقیّه را با مثال تعریف کنید؟

جواب: و اگر حکم به اعتبار ثابت شدن او در حقیقت و با صرف نظر از خصوصیت ظرف خارج یا ذهن باشد، حقیقیّه است. (مانند: الاربعة زوج)

سوال: اقسام قضیه موجهه و سالبه را نام ببرید؟

جواب: بر دو قسم است، ۱ معدوله، ۲ غیر معدوله

سوال: قضیه موجهه را تعریف نمایید و اقسام آن را مرقوم دارید؟

جواب: جهتی که در قضیه ذکر میشود آن را موجهه میگویند، موجهات ۵ تا هستند ۸ بسیط ۷ مرکب

اقسام بسیط ۱ ضروریّه مطلقه ۲ دائمه مطلقه ۳ مشروطه عامه ۴ عرفیه عامه ۵ وقتیّه مطلقه ۶ منتشره مطلقه ۷ مطلقه عامه ۸ ممکنه عامه

(تعریفات بسائط)

(۱) ضروریّه مطلقه، آن است که حکم بشود در آن به ضرور بودن ثبوت محمول برای موضوع یا سلب از او مادامی که موضوع موجود باشد مانند (الانسان حیوان بالضروره) و الانسان لیس بحجر بالضروره  
(۲) دائمه مطلقه، آن است که حکم بشود در آن به دوام ثبوت محمول برای موضوع یا سلب از او مانند (کل فلک متحرک بالدوام ولا شئی من الفلک بساکن الدوام)

(جنس عالی آن است که بالاتر از آن جنسی نباشد و پائین تر از آن جنس باشد) مانند (جوهر) و این را جنس الاجناس می نامند  
سوال: اجناس عالیہ چند هستند؟

جواب: اجناس عالیہ ۱۰ تا اند یکی از آن جوهر باقی عرض می باشد  
تعریف عرض: عرض آن است که بخاطر واسطه موجود باشد

مقولات عرض: ۱ کم ۲ کیف ۳ اضافت ۴ این ۵ ملک ۶ فعل ۷ انفعال ۸ متی ۹ وضع

سوال: اقسام نوع را بیان نمایید؟

جواب: ۱ عالی ۲ متوسط ۳ سافل

(نوع عالی آن است که پایین تر از آن نوع باشد)

(نوع متوسط آن است که بالاتر و پایین تر از آن نوع باشد)

نوع سافل آن است که پائین تر از آن نوع نباشد و بالاتر از آن نوع باشد و این را (نوع الانواع) گویند

نکته: نسبت فعل اگر بسوی نوع باشد آن را مقوم گویند چون در حقیقت نوع داخل میشود اگر بسوی جنس باشد آن را مقسم گویند چون جنس را تقسیم میکنند و برای آن قسمی حاصل شود مانند (ناطق)

ترتیب اجناس: جوهر، جسم عالی، جسم مطلق، نوع عالی، جسم نامی، نوع متوسط،

حیوان: متوسط جنس

انسان: نوع الانواع

سوال: اقسام عرض لازم را با مثال نام ببرید؟

جواب ۱ عرض لازم آن است که از تصور او تصور ملزوم لازم می آید مانند (بینایی برای کور)

۲ یا که از تصور لازم و ملزوم جزم به لزوم، لازم آید مانند (زوجیت چهار)

سوال: اقسام عرض مفارق را با مثال بگویید؟

جواب: عرض بر دو قسم است:

۱ عارض شدنش به ملزوم دوام دارد مانند (حرکت برای فلک)

۲ عارض شدنش به ملزوم دوام ندارد بلکه زائل میشود و این زائل شدن

یاباسرعت است مانند (قرمزی) یا باکندی است مانند (جوانی)

۲- مانعة الخلو

۳- منفصله حقیقه

مانعه الجمع آن است که حکم به تضاد یا به عدم تضاد در صورت صدق باشد مانند (هذا الشيء اما شجر او حجر)

مانعه الخلو آن است که حکم به تضاد در کذب فقط باشد مانند ( اما ان يكون زيد في البحر او لا يغرق )

منفصله حقیقه آن است که در آن به تضاد یا به عدم تضاد بین دو نسبت در صدق و کذب همراه باشد مانند ( هذا العدد اما زوج او فرد )

سوال: قضیه منفصله به اعتبار اقسام ثلاثه بر چند قسم است نام ببرید؟

جواب: قضیه منفصله به اعتبار اقسام ثلاثه بر دو قسم است:

۱- عنادیه

۲- اتفاقیه

(عنادیه آن است که تنافی بین دو جزء ذاتی باشد)

(اتفاقیه آن است که تنافی بین دو جزء اتفاقی باشد)

سوال: اقسام قضیه شرطیه را نام ببرید؟

جواب: ۱- شخصی

۲- کلیه جزئیه

۳- مهمله

شخصیه آن است که حکم بر مقدار معین بر یک نهادن خاص باشد مانند (ان جنتی الیوم اکرمتک)

مهمله آن است که مقدارها بصورت کلی و بعضی ترک بشوند مانند (ان کان زید انسانا کان حیوانا)

کلیه جزئیه آن است که حکم بر همه مقدارها باشد مانند (کما کانت الشمس طالعة کان النهار موجود)

اگر بعضی مقدارها باشد جزئیه است مانند (قد یكون اذا کان الشيء حیوانا کان انسانا)

سوال: اقسام جنس را نام ببرید؟

جواب: ۱ سافل

۲ متوسط

۳ عالی

(جنس سافل آن است که پائین تر از او جنسی نیست و بالاتر از او جنس

است) مانند (حیوان)

(جنس متوسط آن است که پایین تر و بالاتر از آن جنس باشد) مانند (جسم نامی)

جواب: وصف عنوانی آن است که از موضوع به آن تعبیر کرده شود مانند (کل کاتب متحرک الاصابع بالضروره مادام کاتباً)

سوال: مرکب را تعریف نمایید؟

جواب: مرکب قضیه‌ای است که مرکب شده حقیقت آن از ایجاب و سلب باشد اگر جزء اول موجب باشد آن را موجب بگویند مانند (کل کاتب متحرک الاصابع مادام کاتباً) و اگر سالبه باشد آن را سالبه بگویند مانند (بالضروره لاشیء من الکاتب بساکن الاصابع مادام کاتباً)

سوال: نوع اضافی را تعریف کنید؟

جواب: نوع اضافی حقیقتی است که گفته می‌شود بر او و بغیر آن جنس در جواب ماهو بین اینها عموم و خصوص من وجه قرار دارد برای صادق آمدن آنها بر انسان.

سوال: اقسام قضیه شرطیه را نام ببرید؟

جواب: قضیه شرطیه بر دو قسم است:

۱- متصله

۲- منفصله

قضیه متصله: آن است که به ثابت شدن نسبتی به فرض بودن نسبت دیگر مانند (ان کان زید انسانا کان حیوانا) یا به نفی نسبتی بر فرض نفی نسبت دیگر مانند (لیس البتة اذا کان زید انسانا کان فرسا) قضیه متصله بر دو قسم است:

۱- لزومیه

۲- اتفاقیه

لزومیه: آن است حکم بخاطر رابطه‌ای که بین مقدم و تالی است، باشد. اتفاقی: آن است که حکم بخاطر رابطه باشد مانند (اذا کان الانسان ناطقاً فالحمار ناهق).

سوال: علاقه بین منطقی‌ها دو نوع است، آنها را بیان کنید؟

جواب: ۱- هر یکی از علاقه‌ها علت برای دیگری باشد یا هر دو علت شان چیز دیگری باشد.

۲- یا اینکه بین شان تضایف باشد.

تضایف: آن است که فهمیدن یکی از آن دو تا موقوف بر فهمیدن دیگری باشد مانند (ابوه والبنوة)

سوال: قضیه منفصله را تعریف کنید؟

جواب: قضیه منفصله آن است که در آن به تضاد دو چیز در موجب حکم

بشود و در سالبه نیز تضاد بین دو چیز حکم بشود.

قضیه منفصله بر سه قسم است

۱- مانعة الجمع

## ۲- مشکک

۱- متواطی آن است که بر تمام افرادش بصورت مساوی دلالت نماید مانند دلالت (انسان برزید و بکر و عمر)

۲- مشکک آن است که بر تمام افرادش به صورت مساوی دلالت نمیکند بلکه در بعضی زیاده و در بعضی سخت است، مانند: (سفیدی برف و ندان فیل) یعنی دندان فیل سفیدتر است یا برف.  
سوال: چرا مشکک را مشکک گویند؟

جواب: چون بیننده را در بودن متواطی یا مشترک به شک میاندازد.

سوال: فعل خاص است یا عام و چرا؟ و کلمه عام است یا عام؟

جواب: فعل عام است و کلمه خاص.

چون که کلماتی که مانند اُضرب و نضرب در نزد نحوی‌ها فعل هستند و در نزد منطقی‌ها کلمه نیستند.

سوال: مفرد بر چند قسم است نام ببرید؟

جواب: مفرد بر سه قسم است:

۱- اسم ۲- کلمه ۳- اداة

۱- اگر بر معنی خود مستقل و به یکی از ازمنه ثلاثه نزدیک باشد کلمه است و اگر بر معنی خود مستقل نباشد اداة است.

۲- اگر معنی او مستقل باشد به مفهومیت؛ یعنی در فهم او نیاز به ضم ضمیمه‌ای نباشد و به یکی از ازمنه ثلاثه نزدیک نباشد اسم است.

سوال: اُضرب مفرد است یا مرکب با دلیل بنویسید؟

جواب: اُضرب مرکب است چون که جزء لفظ بر جزء معنی دلالت می‌کند و همزه دلالت بر متکلم و ضرب برای معنای حدث است.

سوال: مفرد به تقسیم دیگر بر چند قسم است نام ببرید؟

جواب: مفرد بر تقسیم دیگر بر دو قسم است:

۱- دارای یک معنی باشد.

۲- دارای معنای زیاد.

اقسام مفردی که یک معنی دارد بر دو قسم است:

۱- معنایش مشخص باشد مانند (زید)

۲- معنایش مشخص نباشد برای او افراد زیاد باشد.

سوال: نامهای دیگر مفردی که معنایش مشخص نیست را بگویید؟

جواب: ۱- علم ۲- جزء حقیقی

سوال: حمل را در اصطلاح با مثال تعریف کنید؟

جواب: حمل در اصطلاح عبارت است از متحد بودن دو چیز که در مفهوم به اعتبار وجود متغایر باشد مانند (زیدکاتب)

سوال: وصف عنوانی را با مثال تعریف نمایید؟



جواب: قضیه معدوله آن است که حرف سلب در آن جزئی از موضوع یا محمول یا هر دو قرار گیرد.

مانند(اللاهی جماد الاهی لیس بعالم)؟

سوال: غیر معدوله را به با مثال مرقوم دارید؟

جواب: غیر معدوله آن است که حرف سلب در آن جزئی از موضوع یا محمول یا هر دو قرار نگیرد

در موجه محصله و در سالبه بسیطه نامند

سوال: جوهر را با مثال تعریف نمایید؟

جواب: جوهر آن است که بخاطر هیچ واسطه ای موجود نباشد مانند(اجسام) چون که قائم به نفسه است

سوال: اقسام مفرد متکثر المعنی را نام ببرید؟

جواب: مفرد متکثر المعنی بر دو قسم است

۱. مشترک

۲. منقول

سوال: مشترک را با مثال تعریف نمایید؟

جواب: مشترک آنست که لفظ از همان ابتداء برای هر معنی بصورت علاحد

وضع شده باشد. مانند(العین تارتاً للذهب)

سوال: منقول را تعریف نمایید؟

جواب: منقول آن است که در معنی دوم مشهور باشد و در اول متروک باشد

سوال: سه قسم منقول را بنویسید؟

جواب:

۱. منقول عرفی: به اعتبار ناقل عرف عام مانند(دابه)

۲. منقول شرعی: به اعتبار بودن اربابان شرح مانند(الصلاة)

۳. منقول اصطلاحی: به اعتبار بودن عرف خاص و طائفه مخصوص مانند(اسم).

سوال: حقیقت و مجاز را تعریف نمایید؟

جواب: آنست که در معنی دوم مشهور شده در معنی اول متروک نشده باشد اگر در معنی اول استعمال شود حقیقت و اگر در معنی دوم استعمال شود مجاز گویند.

سوال: مرادف را با مثال تعریف نمایید؟

جواب: مرادف آن است که الفاظ مختلف و معنی یکی باشد مانند(شیر و ابر)

سوال: مفردی که معنایش مشخص باشد بر چند قسم است نام ببرید؟

جواب: مفردی که معنایش مشخص است بر دو قسم است .

۱- متواطی



قضیه حملیه موجهه: آن است که در آن به ثبوت چیزی برای چیز دیگر حکم شود.  
مانند: الانسان حیوان

سوال: قضیه حملیه سالبه را با ذکر مثال تعریف نمایید؟

جواب: قضیه حملیه سالبه: آن است که به نفی چیزی برای چیز دیگر حکم نشود.  
مانند: انسان اسپ نیست.

سوال: قضیه حملیه با چه چیزهای تشکیل میشود، با ذکر مثال بگویید؟

جواب: قضیه حملیه از سه چیز تشکیل می شود:

۱. محکوم علیه

۲. محکوم به

۳. رابطه

مانند (زید قائم)

سوال: جزء اول قضیه شرطیه و جزء دوم آن را چه می نامند؟

جواب: جزء اول قضیه شرطیه را (مقدم) و جزء دومش را (تالی) می نامند.

سوال: قضیه طبعیه را با مثال تعریف نمایید؟

جواب: قضیه طبعیه: آن است که حکم در آن به عین حقیقت افراد باشد.

مانند (الانسان نوع ، و الحيوان جنس)

سوال: قضیه محصوره را با مثال تعریف نمایید؟

جواب: قضیه محصوره: آن است که تعداد افراد در آن مشخص باشد.

مانند (کل انسان حیوان و بعض الحيوان انسان)

سوال: قضیه مهمله را با مثال تعریف نمایید؟

جواب: قضیه مهمله آن است که تعداد افراد در آن مشخص نباشد

مانند (الانسان فی الجنس)

سوال: محصورات را با مثال نام ببرید؛

جواب:

۱. موجه کلیه مانند (هر انسان حیوان است)

۲. موجه جزئیه مانند (بعضی حیوانات سیاه است)

۳. سالبه کلیه مانند (چیزی از رنگی سفید نیست)

۴. سالبه جزئیه مانند (بعضی از انسان ها سیاه اند)

سوال: سور را تعریف نمایید؟

جواب: سور آن چیزی است که با آن کمیت افراد کلیه و بعضیه بیان میشود.

سوال: میزانیین موضوع و محمول را به چه چیزی تعبیر می کنند؟

جواب: موضوع را به (ج) محمول را به (به)

هدف شان ایجاز و دفع توهم و انحصار است

سوال: قضیه معدوله را با مثال تعریف نمایید؟

جواب: آنست که بر شی حمل میشود تا بتوانیم آن شی را تصور کنیم (یعنی تصور آن شیء را فایده میدهد).

سوال: اقسام معرفی شیء را نام ببرید.

جواب: ۱. حد تام ۲. حد ناقص ۳. رسم تام ۳. رسم ناقص

سوال: حد تام را با مثال تعریف کنید؟

جواب: تعریف کردن شیء اگر با جنس قریب و فصل قریب باشد حد تام گویند. مانند: تعریف انسان با حیوان ناطق. (اگر انسان را بگویند "ماهو" در جواب میگوییم "حیوان ناطق")

سوال: حد ناقص را با مثال تعریف نمایید؟

جواب: تعریف کردن شیء اگر با جنس بعید یا فصل قریب یا تنها با فصل قریب باشد، آن را حد ناقص نامند.

مانند: تعریف انسان با جسم ناطق یا تنها ناطق

سوال: رسم تام را با مثال تعریف نمایید؟

جواب: تعریف کردن شیء اگر با جنس قریب و خاصه باشد رسم تام است.

مانند: تعریف انسان با حیوان ضاحک

سوال: رسم ناقص را با ذکر مثال تعریف نمایید؟

جواب: تعریف کردن شیء با جنس بعید و خاصه یا تنها با خاصه باشد رسم ناقص گویند.

مانند: تعریف جسم ضاحک یا تنها به ضاحک.

سوال: قضیه را تعریف نمایید؟

جواب: قضیه قولی است که احتمال صدق و کذب را دارد.

سوال: اقسام قضیه را نام ببرید؟

جواب: ۱. حملیه ۲. شرطیه

سوال: قضیه حملیه را با ذکر مثال تعریف نمایید؟

جواب: قضیه حملیه آن است که در آن به ثبوت چیزی برای چیز دیگر یا به نفی چیزی از چیز دیگر حکم شود.

مانند: زید ایستاده است یا ایستاده نیست

سوال: قضیه شرطیه را تعریف نمایید؟

جواب: قضیه شرطیه آن است که در آن به ثبوت چیزی به چیز دیگر یا به نفی چیزی از چیز دیگر حکم نشود.

سوال: اقسام قضیه حملیه را نام ببرید؟

جواب: قضیه حملیه بر دو قسم است:

۱. موجه

۲. سالبه

سوال: قضیه حملیه موجه را با مثال تعریف نمایید؟

جواب: بر سه قسم است:

۱. اضافی. مانند: غلام زید

۲. توصیفی. مانند: الرجل العالم

۳. تقيیدی. مانند: فی الدار

سوال: مفهوم را تعریف کنید و اقسام آن را نام ببرید.

جواب: مفهوم آنچه که در ذهن حاصل شود.

اکلی ۲. جزئی.

سوال: مفهوم کلی را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آنست که بر افراد زیاد صادق می آید و نفس تصور کردن وقوع شرکت در آن ممنوع نیست (مثلا میتوانید در ذیل انسان افراد زیاد را بلامانع تصور کنید). مثال: انسان یا فرس

سوال: مفهوم جزئی را با مثال تعریف کنید.

جواب: تصور کردن صادق آمدنش بر افراد زیاد ممنوع است. مانند: زید، عمر یا این اسب (یعنی اسب مشخصی)

سوال: کلی و جزئی را با تفسیر دیگر تعریف کنید.

جواب: کلی آنست که از لحاظ تصور عقل زیادتیش را جایز قرار دهد. جزئی بر عکس آنست.

سوال: اقسام کلی را با مثال تعریف کنید.

جواب: چهار قسم است:

۱. وجود افراد در خارج ممنوع است. مانند: لاشیء، لا ممکن و لا وجود.

۲. آنست که وجودش در خارج امکان دارد ولی یافت نمیشود. مانند عنقا، جبل من الیاقوت.

۳. آنست که وجود افراد ممکن باشد ولی از افراد او فقط یک نفر یافت شود. مانند: الشمس

۴. آنست که برای او افراد زیاد یافت میشود و این افراد از دو حال خالی نیست: (۱) انتهایی دارند. مانند: کواکب و سیارات ۲. یا انتهایی ندارند. مانند: انسان و فرس

سوال: معرف شیء را تعریف کنید.

سوال: مفرد را با مثال تعریف کنید.

جواب: آنست که از جزء او دلالت بر جزء از معنا قصد نشود. مانند: دلالت «همزه استفهام» بر معنی آن و یا دلالت «زید» بر نام آن.

سوال: مرکب را با مثال تعریف کنید.

جواب: آنست که از جزء او دلالت بر جزء معنا قصد شود. مانند: زید ایستاده است.

سوال: اقسام لفظ «دال» را بنویسید.

جواب: ۱. مفرد ۲. مرکب

سوال: نام های علم را بگویید.

جواب: منطق، میزان و آلی.

سوال: منطق از کدام دلالت بحث میکند و چرا؟

جواب: از دلالت لفظیه وضعیه؛ زیرا فایده دادن و فایده گرفتن برای غیرش آسان میشود. به خلاف غیر آن.

سوال: اقسام مرکب را نام ببرید.

جواب: ۱. تام ۲. ناقص.

سوال: مرکب تام را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که سکوت بر او صحیح است. مانند: زید قائم.

سوال: مرکب ناقص را تعریف کنید.

جواب: آنست که سکوت بر او صحیح نیست.

سوال: اقسام مرکب تام را نام ببرید.

جواب: ۱. خبریه و قضیه ۲. انشاء

سوال: خبریه و قضیه را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: حکایت و خبری را گویند که احتمال صدق و کذب را داشته باشد. مانند: السماء فوقنا - یا - العالم حادث

سوال: اقسام انشاء را نام ببرید.

جواب: ۱. امر ۲. نهی ۳. تمنی ۴. ترجی ۵. استفهام ۶. ندا

سوال: اقسام مرکب ناقص را با مثال بنویسید.

جواب: جدا کننده چیز از مشارکات در جنس بعید است. مانند: «حساس» که فصل حیوان است.

سوال: عرض خاص را با مثال تعریف کنید.

جواب: کلی است که خارج از حقیقت افراد است و بر افرادی حمل میشود که زیر او یک حقیقت است. مانند ضاحک و کاتب

سوال: عرض عام را تعریف کنید.

جواب: کلی است که از حقیقت افراد خارج باشد و بر افرادی یک حقیقت و بر غیر آن حمل میشود. مانند: ماشی.

سوال: کدام یکی از کلیات برای عرض و کدام برای ذات است؟

جواب: سه تایی اول (جنس، نوع و فصل) برای ذات و دوتایی آخر (خاص و عام) برای عرض است.

سوال: اقسام عرض را نام ببرید.

جواب: عرض بر دو قسم است:

۱. عرض عام

۲. عرض خاص

و هر کدام بر دو قسم است: ۱. لازم ۲. مفارق.

سوال: لازم را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که جدا شدن لازم از ملزوم ممنوع است. یا از حقیقت شیء جدا ناشدنی است.

مثال: «زوجیت» برای «چهار» لازمی است. مثال دومی مانند: وجود سواد (سیاهی) برای حبشی.

سوال: مفارق را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: در مفارق جدا شدن لازم از ملزوم ممنوع نیست. مانند: کاتب.

سوال: تناقض را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: تناقض اختلاف بین دو قضیه را با ایجاب و سلب گویند (یعنی یکی ایجابی است و یکی سلبی).

مثال: «زید قائم» در مقابل «زید لیس بقائم»

جواب: آنست که در هر یک از دو صدق به صورت کلی نیست؛ بلکه به صورت جزئی است. مانند حیوان و سفید. معنی جزئی آنست که اخص تحت اعم قرار گیرد. مانند انسان سوال: کلیات را نام ببرید.

جواب:

۱. جنس

۲. نوع

۳. فصل

۴. خاصه

۵. عام

سوال: جنس را تعریف کنید.

جواب: کلی است که حمل می‌شود بر افراد زیادی که حقیقت شان مختلف است. مانند حیوان وقتی در جواب «ما هو» قرار بگیرد.

سوال: نوع را با مثال تعریف کنید.

جواب: کلی است که حمل میشود بر افراد زیاد که حقیقت شان متفق باشد. یعنی متفق الحقیقه هستند.

مثال: گوسفند که در جواب «ما هو» واقع گردد. این را نوع اضافی نیز گویند.

سوال: فصل را با مثال تعریف کنید و اقسام آن را تعریف کنید.

جواب: کلی است که در جواب چیزی واقع میشود که در جواب «ای شیء» واقع شود.

مثال: اگر سوال شود «ای شیء هو فی ذاته؟» در جواب می‌گوییم: ناطق.

فصل دو قسم است:

۱. قریب

۲. بعید

سوال: فصل قریب را با مثال تعریف کنید.

جواب: فصل قریب جدا کننده چیز از مشارکات در جنس قریب است. مانند: ناطق.

سوال: فصل بعید را با مثال تعریف کنید.

۳. ابوعلی سینا.

✓ سوال: دلیل آن که دلالت تضمنی و التزامی بدون دلالت مطابقت متصور نمی‌شود، چیست؟

جواب: چون که جزء بدون کل متصور نمی‌شود. مانند انسان و ناطق لازم همین طور ملزوم باشد، بعد لازم باشد. به همین خاطر است که تضمنی و التزام بدون مطابقت دیده نمی‌شود.

✓ سوال: لازم بین را بامثال تعریف کنید.

جواب: آنست که ذهن از ملزوم به طرف او منتقل می‌شود. مانند هیچکس غیر از او نگفته است.

✓ سوال: دلیل اینکه دلالت مطابقی بدون تضمنی و التزام متصور نمی‌شود، چیست؟

جواب: چون مطابقی یک بسیط است. مانند ذات خدا.

✓ سوال: نسبت های بین دو کلی را نام ببرید.

جواب:

۱. تساوی

۲. تباین

۳. عموم و خصوص مطلق

۴. عموم و خصوص من وجه

✓ سوال: تساوی را با مثال تعریف کنید.

جواب: آنست است که هر یک از دو کلی بر تمام افراد دو کلی دیگر صادق آید. انسان و ناطق.

✓ سوال: تباین را با مثال تعریف کنید.

جواب: آنست که هیچ از دو کلی بر تمام افراد کلی دیگر صادق نیاید. مانند انسان و حجر (سنگ)

✓ سوال: عموم و خصوص مطلق را با مثال تعریف کنید.

جواب: آنست که کلی بر تمام افراد کلی دیگر صدق کند، و کلی دیگر بر بعضی افراد کلی دیگر صدق کند. مانند انسان و حیوان

✓ سوال: عموم و خصوص من وجه را با مثال تعریف کنید.



✓ سوال: اقسام دلالت غیر لفظیه را بامثال بیان کنید.

جواب:

۱. دلالت وضعیه: مانند دلالت تابلوها بر مدلول آنها؛

۲. دلالت طبیعیه: مانند شیهه کشیدن اسب بر طلب علف؛

۳. دلالت عقلیه: مانند دلالت دود بر آتش.

✓ سوال: دلالت لفظیه به چه تعبیر می‌شود؟

جواب: در محاورات یعنی دلالت لفظیه وضعیه با تمام اقسامش و علوم و گفت‌وگوها تعبیر می‌شود.

✓ سوال: علم منطق را تعریف کنید.

جواب: قوانینی که با رعایت آن ذهن از خطا در فکر محفوظ می‌ماند.

✓ سوال: وجه تسمیه منطق را بنویسید.

جواب: علم منطق را منطق نامیده‌اند چون که در نطق ظاهری یعنی تکلم و هم در نطق باطنی یعنی ادراک تاثیر می‌گذارد.

✓ سوال: موضوع علم منطق را بنویسید.

جواب: تصورات و تصدیقات معلومی که ما را به تصورات و تصدیقات مجهول برساند.

✓ سوال: موضوع هر علم را بنویسید.

جواب: بحثی که از عوارض ذاتی آن علم بحث کند. مانند کبد انسان.

✓ سوال: هدف و غایت علم میزان یا همان منطق را بگویید.

جواب: اصابت در فکر و حفظ راه از خطا در نظر.

✓ سوال: وجه تسمیه میزان چیست؟

جواب: میزان ترازویی است برای عقل که وزن می‌شود با آن افکار صحیح و شناخته می‌شود، آنچه که در افکار فاسد است. و این علم را آلی می‌گویند.

✓ سوال: نخستین مدون‌های علم منطق را نام ببرید.

جواب:

۱. ارسطاطالیس به دستور اسکندر رومی؛

۲. فارابی؛

✓ جواب: آن است که لفظ دال بر تمام آنچه که وضع شده دلالت کند؛ مانند دلالت انسان بر تمام حیوان ناطق.

✓ سوال: دلالت تضمنی را با ذکر مثال تعریف کنید.

✓ جواب: آن است که لفظ دال بر جزئی از مدلول دلالت کند؛ مانند حیوان.

✓ سوال: دلالت التزامی را با ذکر مثال تعریف کنید.

✓ جواب: آن است که لفظ دال بر چیزی خارج از معنای موضوع له دلالت کند؛ مانند صلاحیت علم.

✓ سوال: لازم را با ذکر مثال تعریف کنید.

✓ جواب: آن است که ذهن از معنای موضوع له به طرف او منتقل شود. مانند: لفظ کور بر بینایی و انسان بر قابلیت علم.

✓ سوال: دلالت را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.

✓ جواب: در لغت، به معنای رهنمون ساختن و در اصطلاح، بودن چیزی به گونه‌ای که از علم به آن، علم به چیز دیگر لازم آید.

✓ سوال: اقسام دلالت را نام ببرید.

✓ جواب:

۱. لفظیه

۲. غیر لفظیه

✓ سوال: دلالت لفظیه را تعریف کنید.

✓ جواب: آنست که لفظ دال در لفظ باشد. مثل لفظ زید

✓ سوال: دلالت غیر لفظیه را تعریف کنید.

✓ جواب: آنست که لفظ دال در لفظ نباشد. مثل شیهه کشیدن اسب بر طلب علف

✓ سوال: اقسام دلالت لفظیه را بامثال بیان کنید.

✓ جواب:

۱. دلالت وضعیه: مانند لفظ زید بر نام او؛

۲. دلالت طبیعیه: مانند اح اح؛

۳. دلالت عقلیه: مانند صدای دیزی که از پشت دیوار شنده شود؛

جواب: عکس مستوی عبارت از قرار دادن جزء اول به جای دوم و قرار دادن جزء دوم به جای جزء اول می‌باشد که البته باید صدق و کیف آن باقی بماند. مانند: «لا شیء من الانسان بحجر» عکس آن می‌شود «لا شیء من الحجر بانسان».

سوال: عکس نقیض را تعریف کنید.

جواب: عکس نقیض آنست که نقیض جزء اول به جای دومی و نقیض جزء دومی به جای اولی قرار گیرد. مانند: «کل انسان حیوان» عکس آن می‌شود «کل لایحیوان و لایانسان».

سوال: نقیض ضروریه مطلقه، دائمه، مشروطه عامه و عرفیه عامه را بگویید.

جواب: نقیض ضروریه مطلقه، ممکنه عامه است. نقیض دائمه، مطلقه عامه است. نقیض مشروطه عامه، الحینیّه ممکنه است و نقیض عرفیه عامه الحینیّه مطلقه است.

سوال: چه چیزی برای تناقض میان دو قضیه مخصوصه شرط است، آن‌ها را نام ببرید.

جواب: برای ایجاد تناقض وحدات هشتگانه شرط است:

۱. وحدت موضوع

۲. وحدت محمول

۳. وحدت مکان

۴. وحدت زمان

۵. وحدت قوه فعل

۶. وحدت شرط

۷. وحدت جزء کل

۸. وحدت اضافه

سوال: الدلالة اللفظية على ثلاثة أنحاء، آن‌ها نام ببرید.

جواب:

۱. تضمنی

۲. مطابقی

۳. التزامی.

سوال: دلالت مطابقی را با ذکر مثال تعریف کنید.

۱. تصدیق ۲. تصور

✓ سوال: تصور را با مثال تعریف کنید.

جواب: تصور عبارت از درک خالی بدون حکم. مراد از حکم نسبت امری به امر دیگر ایجاب یا سلبا می باشد.

✓ سوال: اختلاف حکما و امام رازی را در مورد تعریف تصدیق مرقوم دارید.

جواب: حکما میگویند: تصدیق عبارت از حکمی است که همراه با تصورات ثلاثه باشد و برای وجود تصدیق، تصورات ثلاثه شرط است.

امام رازی: تصدیق عبارت از از مجموعه حکم و تصورات اطراف مانند زید قائم.

✓ سوال: اقسام تصدیق و تصور را نام ببرید.

هر کدام از تصدیق و تصور بر دو قسم است: ۱. بدیهی ۲. نظری

✓ سوال: تصور بدیهی را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که بدون فکر و کسب حاصل شود. مانند گرمی و سردی. این را ضروری هم میگویند.

✓ سوال: تصور نظری را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که در حاصل شدن او نیاز به فکر و نظر است. مانند جن و ملائکه.

✓ سوال: تصدیق بدیهی را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که بدون فکر و کسب حاصل شود. مانند کل از جزء بزرگتر است.

✓ سوال: تصدیق نظری با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: آن است که در آن نیاز به فکر و کسب باشد. به عبارت دیگر نیاز به دلیل داشته باشد. مانند عالم حادث است و صانع موجود است.

✓ سوال: نظر را با ذکر مثال تعریف کنید.

جواب: نظر عبارت از ترتیب دادن امور معلومی است که منجر به حصول مجهول شود. مانند: هر عالم متغیر است و هر متغیر حادث است؛ از این قضیه برای ما یک قضیه دیگر به وجود می آید و آن اینکه «هر عالم حادث» است.

✓ سوال: عکس مستوی را تعریف کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علی بلوچی ۱۳۹۸ - ۱۴۴۰

## جزوہ مرقات



کرد آورنده اینسخم خروہ:

شمس الدین غفاری

اسماعیل موسیٰ زہری

۱ سوال: علم بر چند معنا اطلاق می شود؟

جواب: بر پنج معنی:

۱. حصول صورت چیزی در ذهن؛

۲. آن صورتی که از چیزی در ذهن حاصل شود؛

۳. حاضر بودن نزد درک کننده؛

۴. قبول کردن نفس این صورت را؛

۵. حاصل شدن اضافت بین عالم و معلوم.

۲ سوال: اقسام علم را نام ببرید.

جواب: علم دو قسم دارد: